

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

صص ۴۶۱-۴۸۴

بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در پنج کشور آمریکا، آلمان، آلبانی، ایران و فرانسه

راضیه همراهی^{۱*}، جمیل حسن پور^۲، میرابراهیم صدیق^۳

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۲- استادیار گروه حقوق، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

جرایم علیه عدالت قضایی رفتارهایی هستند که به حقوق افراد در دسترسی برابر به دستگاه قضایی و یا حق جامعه در تعقیب و مجازات بزهکاران خلل وارد می‌آورند. به عبارت دیگر جرایم علیه عدالت قضایی را می‌توان گونه‌ای از جرایم دانست که زمینه را برای عدم تحقق عدالت فراهم می‌کند. وقتی جرمی به وقوع می‌پیوندد دستگاه عدالت قضایی با طی چند مرحله سعی در ایجاد زمینه تحقق عدالت قضایی دارد. در مرحله کشف جرم، تعقیب مجرم، دادرسی عادلانه و اجرای حکم ممکن است اقداماتی صورت گیرد که به نحوی موجبات عدم تحقق عدالت قضایی را فراهم کند. به همین دلیل کشورها در قوانین جزایی خود اقدامات علیه عدالت قضایی را جرم‌انگاری می‌کنند. در این مقاله با نگاهی به قوانین جزایی پنج کشور سعی در مقایسه تطبیقی مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی داریم. در قوانین جزایی ایران نیز اگرچه مصادیقی از مفهوم کلی جرایم علیه عدالت قضایی به طور پراکنده جرم‌انگاری شده، اما شاهد وجود فصلی مختص جرایم علیه عدالت قضایی نیستیم. بدین ترتیب در این

* نویسنده مسئول raziehhamrahi@gmail.com

نوشتار به بررسی جرایم علیه عدالت قضایی در کشور آلمان، آلبانی و امریکا با نگاهی به حقوق ایران و فرانسه و بیان خلاصه‌های قوانین ایران خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: جرایم علیه عدالت قضایی، قانون جزا، امریکا، فرانسه، ایران

مقدمه

عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شده، دادگستری صورت پذیرد. برای رسیدن به عدالت قضایی قانونگذاران کشورها اقدام به جرم‌انگاری اعمالی نموده‌اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد نمایند. عدالت و به تعبیر قرآنی آن، «عدل»، به لحاظ مفهومی با واژه قسط و مساوات نزدیکی بسیار دارد. اما به تعبیر حضرت امیر المومنین (ع) عدالت عبارتست از «قرار دادن هر چیزی به جای خود» در حالی که مساوات به معنای برابری و اعم از مفهوم عدالت بوده، شامل قرارگیری هر چیزی به جای خود نیز می‌شود. گرچه عدالت گاه همان مساوات است؛ اما در مواردی نیز ممکن است که عدالت اقتضای نابرابری نیز نماید. در حقیقت عدالت دادن حق هر کسی به اوست. اما مفهوم واژه قسط، در بردارنده نوعی توسعه عدالت در سطح جهان است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۴۹).

عدالت مفهومی است که عقل و فطرت هر فردی بدان دستور می‌دهند. اما برای عدم ایجاد هرج و مرج با تشخیص فردی عدالت، نیازمند قانون هستیم. در درجه اول بهترین قانونگذاران کسی است که آگاه‌تر و بی‌خطاترین آن‌ها باشد. بدین سبب در فرهنگ اسلامی قانونگذار حقیقی خداوند بوده و دستورات او در قالب شرع و فقه اسلامی لازم‌الاتباع است (تسخیری؛ ۱۳۸۳، ۶۸).

عدالت به صورت مضاف، جهت خاصی از مفهوم گسترده عدالت را در بر می‌گیرد. لذا عدالت اقتصادی در بر دارنده عدالت در جهت اقتصاد جامعه است، و عدالت سیاسی شامل اجرای عدالت در جهت سیاسی است. عدالت قضایی نیز در بردارنده اجرای عدالت در جهت قضایی است.

باید توجه داشت که «عدالت قضایی» متفاوت از «عدالت کیفری» است. در حقیقت عدالت کیفری این هدف را پی می‌گیرد که کیفر و مجازات بر اساس عدالت باشد، اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پی‌گیری عدالت در مرحله قضاوت و پس از آن است. (همان، ۶۹).

از «برنارد بورک» در تعریف عدالت کیفری نقل شده است که «عدالت کیفری مقایسه‌ی زیان‌های وارد بر جامعه با خطای اخلاقی یا قابلیت سرزنش مرتکب و تعیین میزان کیفر و اجرای آن است.» در حقیقت، عدالت کیفری، با مقایسه زیان‌های وارد بر جامعه از سوی بزهکار؛ و خطای اخلاقی یا قابلیت

سرزنش مرتکب، سعی دارد نوعی موازنه و مساوات را برقرار سازد تا کیفر عادلانه گردد. گرچه جامعه از جرم آسیب دیده است، اما این امر سبب نخواهد شد که حق داشته باشد که به هر میزان مرتکب را مجازات کند. بلکه بایست بین کیفر و جرم ارتكابی موازنه باشد تا، کیفر عادلانه دانسته شود (تجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹، ۳۹).

خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل می فرماید: «ان الله یامر بالعدل» حضرت امیرالمومنین (ع) در تفسیر این آیه، مقصود از عدل را، انصاف می داند. راغب اصفهانی نیز در تبیین این آیه می گوید: «هو مساواة فی المكافئة» انصاف اقتضای رعایت موازنه و مساوات میان کیفر و مجازات می کند و این آن چیزی است که خداوند بدان امر نموده است (تسخیری، پیشین، ۶۹).

بنابراین کیفر عادلانه زمانی وضع خواهد شد که شخصیت مجرم و آسیب های وارده بر جامعه شناخته شود. بدین منظور لازم است که شخص قانونگذار یا دستگاه قضایی، به نیابت از او؛ قابلیت مرتکب و تناسب مجازات با آن قابلیت را تشخیص و مجازات لازم را اعمال کند. در برخی مجازات ها، مانند حدود، قصاص و دیات؛ شارع مقدس شخصا کیفر عادلانه را براساس شناخت کامل خود از آسیب های وارده بر جامعه و مرتکبین این قبیل جرایم وضع کرده است. اما در دیگر جرایم، این امر به حکومت اسلامی و در راس آن ولی فقیه سپرده شده است (اسدی، ۱۳۸۴، ۳۸).

این در حالی است که عدالت قضایی بدین معناست: «پس از ارتکاب جرم یا تضییع حق، مجریان عدالت، عدالت را درباره ی اصحاب دعوا اعمال کنند. هر عملی که مانع پیاده سازی عدالت در حوزه قضایی باشد، اعم از مرحله تعقیب تا اجرای حکم، جرم علیه عدالت قضایی نامیده می شود.» بنابراین، جرائمی که پس از ارتکاب جرم یا پس از تضییع حق، مانع از اجرای عدالت درباره طرفین دعوا یا مرتکبین جرم شود؛ جرایم علیه عدالت قضایی نامیده می شود. مانند اعمال نفوذ در اجرای حکم دادگاه.

در حقیقت عدالت قضایی، برخلاف عدالت کیفری که بیشتر به قانون برمی گردد؛ ارتباط مستقیمی با اجرای قانون دارد. از این روست که دکتر آخوندی، عدالت قضایی را به اجرای قانون تعریف کرده است. دکتر بهمن کشاورز در تعریف عدالت قضایی گفته است: "عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه ی افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان و بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاه ها استفاده کنند. این معنا از اصول ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی استنباط می شود (همان، ۴۱).

اخیراً نظام‌های کیفری در کشورهای گوناگون، در جهت یکپارچه‌سازی و ایجاد انسجام در خصوص جرایمی تلاش می‌کنند که وجوه مشترکی دارند، و ارزش مورد تجاوز در آن جرایم یکسان و مشابه است. دسته‌ای از این جرایم که امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، جرایمی هستند که علیه اجرای عدالت کیفری ارتکاب می‌یابد. عدالت کیفری همانند سایر ارزش‌های مهم در جامعه چون حمایت از مال، جان و امنیت شایسته حمایت است. حمایت واقعی از ارزش‌های جامعه از طریق جرم‌انگاری زمانی میسر می‌شود که عدالت کیفری در مسیری امن و شایسته جریان یابد، و چنانچه مانعی در مسیر آن وجود دارد، با ضمانت اجرای کیفری و غیر کیفری همراه باشد. جرایم علیه اجرای عدالت کیفری، تضمیناتی هستند که قانونگذاران با وضع آن‌ها تلاش می‌کنند تا امنیت فرآیند رسیدگی را فراهم کنند و به افراد دخیل در این فرآیند اطمینان دهند که این فرآیند تضمینات حقوقی لازم را دارد. در این مقاله به بررسی جرایمی پرداخته می‌شود که در فرآیند اجرای عدالت کیفری اختلال ایجاد می‌کنند یا مانع جریان عادلانه و منصفانه آن می‌شوند. این دسته از جرایم شامل اقدامات گوناگونی می‌شود و مرتکبان آن نیز افراد گوناگونی را در بر می‌گیرد (عابد، ۱۳۸۸، ۵).

عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شده و نظام دادگستری به شکل کارآمدی فعالیت کند. برای رسیدن به عدالت قضایی قانونگذاران کشورها اقدام به جرم‌انگاری اعمالی نموده‌اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد می‌نمایند (تجار زادگان و مسعودیان، پیشین، ۳۴). جرایمی که در روند عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می‌کنند و آن را کند نموده یا مانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند، نیز همواره مورد توجه متولیان سیستم عدالت کیفری و مقنن بوده است؛ به گونه‌ای که برخی کشورها فصلی را در قانون جزای خود به این جرایم اختصاص داده‌اند. در واقع در این موارد ارزشی تحت عنوان «عدالت قضایی» مورد حمایت قرار گرفته و انجام اعمال مغایر با آن با واکنش اجتماعی تحت عنوان کیفر رو به رو خواهد شد (یکرنگی، ۱۳۸۷، ۳۳). بدیهی است هر عملی که به قصد اختلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گیرد و این قابلیت را داشته باشد که تحقق عدالت قضایی را ناممکن سازد و یا موجب انحراف دادرسی گردد، جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود.

در عالم حقوق از دیر باز جرایم را به سه دسته علیه اشخاص، علیه اموال و علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم نموده‌اند. این تقسیم‌بندی در کتب جزای اختصاصی استقرار یافته است. جرایمی که در

سیر عدالت قضایی خدشه ایجاد می‌کند در سال‌های اخیر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی کشورها فصلی را در قانون جزا به این جرایم اختصاص داده‌اند. در این نوشتار در ابتدا مفهوم جرایم علیه عدالت قضایی سپس انواع این جرایم و در نهایت به بررسی تطبیقی هر یک از این جرایم در قوانین پنج کشور مذکور می‌پردازیم.

۱- تعریف جرایم علیه قضایی

هر آنچه در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی و اجرای حکم خلل وارد نماید، به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی قابل طرح است. در واقع نیاز جدی به رفتار عادلانه دستگاه قضایی در روند اجرای قانون، قانونگذاران را بر آن داشته است که در جهت برخورد با انحرافات و تخلفات پیشروی اجرای قانون، به جرم‌انگاری انحرافات مزبور بپردازد. از این رو هر عملی که مانع اجرای عدالت باشد، جرم علیه عدالت قضایی خواهد بود و تفاوتی نمی‌کند که این جرم در مرحله قبل از تعقیب اتفاق افتد یا پس از آن و یا در حین محاکمه و یا اجرای حکم. به عبارت دیگر جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعلی دارد که به گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند (کوشا، ۱۳۸۱، ۱۴).

همواره این احتمال وجود دراد که برای تحقق عدالت افراد جامعه با ارتکاب اقداماتی در مسیر اجرای عدالت کیفری اخلال ایجاد نمایند. از همین رو لازم است مقنن برای تضمین اجرای عدالت کیفری در مسیری مطمئن و عادلانه در قبال افراد واکنش نشان دهد (عابد، پیشین، ۶).

جلوگیری از اجرای عدالت، هر فعل یا ترک فعلی است که ماموران انتظامی را از کشف جرم یا تعقیب متهم و دادگاه‌ها را در محاکمه و صدور حکم یا قرار و اجرای آن‌ها بازدارد (کوشا، پیشین، ۱۳).

در امور بین‌المللی و در اسناد و دادگاه‌های بین‌المللی جرایم علیه عدالت قضایی قابل بررسی هستند.

برای حاکمیت عدالت قضایی در جامعه لازم است اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی هستند جرم تلقی شده مباشران و معاونان این اعمال مجازات می‌شوند.

در خصوص دادگاه و اسناد بین‌المللی باید بیان کرد با تصمیم جامعه جهانی بر مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی، موضوع رسیدگی به جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در حوزه حقوق بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت و به دلیل نوپایی، از پشتیبانی مقررات و رویه‌های قانونی بی بهره بود. قضات

دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، اختیار رسیدگی به این جرائم را در صلاحیت ذاتی خود می‌دانستند با این استدلال که اگر چنین اختیاری نداشته باشند، نمی‌توانند به درستی به محاکمه جنایات بین‌المللی بپردازند. چنین رویه‌ها و دیدگاه‌هایی بود که توجه شرکت‌کنندگان در کنفرانس رم را به این موضوع جلب کرد تا موادی از اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله را به آن اختصاص دهند. در همین راستا، مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، رفتارهایی را با عنوان «جرائم علیه اجرای عدالت» و «سوء رفتار در محضر دادگاه» جرم‌انگاری نموده است و چگونگی رسیدگی به آن در قواعد ۱۶۲ تا ۱۷۲ آ.د.ا به تفصیل بیان شده است (عابد، ۱۳۹۱، ۱۱۶). هرچند که با تصویب مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، گام مهمی در راستای حل قانونمند این حوزه حقوقی برداشته شده است، اما حقوق کیفری بین‌المللی هنوز راه زیادی دارد تا به نحو شایسته‌ای در این حوزه قانونگذاری نماید؛ زیرا هیچ یک از مقررات اساسنامه، برای نمونه، جرائم ارتكابی در مرحله اجرای مجازات را تحت پوشش قرار نمی‌دهند. همچنین، ابهاماتی درباره صلاحیت رسیدگی وجود دارد. برای نمونه، اگر محکوم به حبس اقدام به فرار از زندان دادگاه کیفری بین‌المللی یا زندان یک دولت عضو نماید، کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی خواهد داشت؟ از یک سو، اساسنامه مقرر صریحی ندارد و از سوی دیگر، چون مرتکب به موجب حکم یک مرجع بین‌المللی در زندان - ملی یا بین‌المللی - در بند است، پذیرش صلاحیت دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به چنین جرمی دشوار است. اینها، تنها نمونه‌ای از مشکلاتی است که دادگاه کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی را در آینده با چالش روبرو خواهد نمود (همان، ۱۱۵).

۲: گونه‌های جرایم علیه عدالت قضایی

۱-۲: عدم اعلام جرم

مراجع انتظامی و قضایی از طرق مختلفی ممکن است از وقوع جرم مطلع شوند و یکی از این راه‌ها - های اعلام جرم از سوی افراد می‌باشد. در بند (ب) ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اعلام جرم از سوی اشخاص عادی یکی از جهات شروع به تعقیب دانسته شده است. عوامل مختلفی از جمله نوع جرم، مکان وقوع جرم بر تصمیم افراد به اعلام جرم تاثیر دارد. با توجه به محدود بودن امکانات پلیس در کشف جرم، چنانچه ارتکاب جرم از سوی افراد عادی جامعه اعلام نگردد، بسیاری از جرایم کشف نمی‌شود و به تبع آن عدالت قضایی به طور کامل تحقق پیدا نمی‌کند. بر همین اساس امروزه سیاستگذاران بسیاری از کشورها تحت تاثیر آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی، درصدد تشویق مردم

به اعلام هستند تا از این رهگذر عدالت قضایی بهتر تحقق پیدا کند. به علت تاثیری که اعلام جرم در تحقق عدالت قضایی دارد، قانونگذاران بسیاری از کشورها افراد عادی جامعه را با وجود شرایطی مکلف می‌کنند که وقوع جرم را به مقامات ذیصلاح اعلام کنند و عدم اعلام جرم را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تعیین می‌کنند.

بزه عدم اعلام جرم در ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه و ماده ۴ قانون فدرال ایالت متحده آمریکا پیش‌بینی شده است. ماده ۴ قانون فدرال ایالت متحده آمریکا مقرر می‌دارد: "هر کس با علم به ارتکاب واقعی یک جنایت در حوزه صالحیت دادگاه ایالت متحده، آن را پنهان کند و به محض امکان به قضات یا اشخاص دیگر نظامی و غیر نظامی ایالت متحده اطلاع ندهد به حبس تا سه سال یا جزای نقدی تحت این عنوان یا هر دو محکوم خواهد شد. دادگاه تجدید نظر فدرال آمریکا حکم داد عناصر این جرم عبارتند از: از این که شخص علم کامل داشته باشد که متهم جرم را به صورت کامل مرتکب شده است و این که شخص به مقامات اعلام نکند و گام‌هایی برای مخفی کردن جرم بردارد. در ادامه به بررسی عناصر جرم مزبور خواهیم پرداخت.

بسیاری از کشورها در قوانین کیفری خود فصلی با عنوان جرایم علیه عدالت قضایی دارند که این جرم در آن فصل غالباً پیش‌بینی شده است. علت این امر هم آن است که این جرم همواره پیش از شروع پرونده رخ می‌دهد و باعث متوقف شدن عدالت می‌شود.

برای مثال این امر در مواد ۱-۴۳۴ و ۲-۴۳۴ قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده است. طبق این ماده از قانون جزای فرانسه هر کس نسبت به جنایتی که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار آن وجود دارد یا نسبت به کسانی که از قابلیت ارتکاب جنایات جدیدی برخوردار بوده و امکان جلوگیری از ارتکاب آن‌ها نیز وجود دارد آگاهی داشته و مقامات قضایی و اداری را از این امور مطلع نسازد به مجازات سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو و جزای نقدی محکوم خواهد شد. به استثنای مواردی که جنایات علیه اطفال زیر ۱۵ سال ارتکاب می‌یابد افراد ذیل از مقررات فوق مستثنی هستند:

۱- والدین در خط مستقیم و زن و شوهر و خواهر و برادر مرتکب یا معاون جنایت و همسران

آنان

۲- همسر مرتکب یا معاون جنایت یا شخصی که آشکارا در موقعیت زناشویی با وی زندگی می‌-

کند (یک‌رنگی، ۱۳۸۷، ۲۵۱).

ماده دیگری از قانون جزای فرانسه در ارتباط با عدم اعلام جرم ارتکابی علیه بزه‌دیدگان خاص است. در ماده ۳-۴۳۴ بیان داشته است: هر کس نسبت به بدرفتاری، محرومیت‌ها یا تعرضات جنسی

که به طفل زیر ۱۵ سال یا شخصی که به لحاظ سن، بیماری، معلولیت، ناتوانی جنسی یا روانی یا حالت حاملگی قادر به دفاع از خود نباشد علم و آگاهی داشته باشد و مقامات قضایی یا اداری را مطلع نسازد به سه سال حبس و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی محکوم می‌شود. به غیر از مواردی که قانون به طریق دیگری مقرر داشته است اشخاصی که بر اساس شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۳-۲۲۶ موظف به رازداری هستند از مقررات فوق مستثنی هستند.

در قانون جزای آلمان فصل مستقلی تحت عنوان جرایم علیه عدالت قضایی وجود ندارد ولی در متن قانون جزای این کشور قوانینی که عدالت را از مسیر اصلی خودش منحرف می‌کند اشاره شده است. در قانون جزای آلمان ماده‌ای که عدم اعلام جرم یا کتمان جرم را به صورت عام جرم‌انگاری کرده باشد وجود ندارد.

در قانون کشور آلبانی در ماده ۳۰۰ این جرم اعلام شده است (یک‌رنگی، پیشین، ۵۵). قصور در اعلام گزارش جرمی که در حال ارتکاب است و یا پیشتر ارتکاب یافته است به نهادهای تعقیب کیفری، دادگاه، به نهادهای متولی نظم عمومی، مقامات و دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح با جزای نقدی یا سه سال حبس قابل مجازات می‌باشد. فرزندان، خوهران و برادران، همسران و پدرخوانده و مادرخوانده و فرزندخوانده مانند فردی که به علت وظیفه ملزم به رازداری می‌باشد از الزام به اعلام جرم مستثنی هستند.

در قوانین کیفری ایران از آغاز قانونگذاری تاکنون مقررهای به صورت کلی برای مجازات عدم گزارش‌دهندگان یا اعلام‌کنندگان جرم بوده است. لیکن در مواد مختلف برای اشخاص خاص به واسطه سمتشان و برای جرایم خاص جرم‌انگاری انجام شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است. در ماده ۶۰۶ ق.م.ا.ج.م.ج. جرم عدم اعلام گزارش بزه را برای روسا، مدیران و مسولین سازمان‌ها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ پیش‌بینی نموده است. از سوی دیگر عدم اعلام در تمامی جرایم برای این افراد پیش‌بینی نشده است و فقط در شش جرم ارتشا، اختلاس، تصرف غیر قانونی، کلاهبرداری، جرایم موضوع ماده ۵۹۹ و جرایم موضوع ماده ۶۰۳ ق.م.ا.ج.م.ج. و آن هم در سازمان یا موسسه تحت نظرشان جرم تلقی شده است. ماده بعدی ماده ۷۱۱ ق.م.ا.ج.م.ج. است که در متن ماده آمده است: هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیتدار از وجود اماکن مذکور در مواد ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ یا اشخاص مذکور در ماده ۷۱۰ مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذی‌صلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به سه تا شش ماه حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند. این ماده در واقع تعیین ضمانت اجرای کیفری برای

ضابطان دادگستری است که ملزم می‌باشند در صورت مواجهه با جرم آن را به مقامات صلاحیتدار گزارش نمایند (تجارزادگان و مسعودیان، پیشین، ۳۳). این ماده برای عدم گزارش جرم تنها در چهار مورد در رابطه با دایر کردن محلی برای شرب خمر، قمارخانه و قماربازی و افرادی که خدمت در قمارخانه یا محل شرب خمر را قبول می‌نمایند، ضمانت اجرا تعیین نموده است. ماده بعدی عدم گزارش ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور است. در ماده ۲ قانون اخلالگران در نظام اقتصادی کشور: در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آن‌ها انجام گیرد فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند بر حسب این که اقدام آن‌ها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد مدیر یا مدیران و بازررس یا بازرسان و به طور کلی مسئولین ذیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و موثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند. این ماده ناظر به افراد خاص و جرایم خاص است این ماده تنها مدیران، بازرسان و مسئولین را مکلف به اعلام جرم نموده است. در ارتباط با عدم اعلام جرم علیه بزه‌دیدگان خاص در حقوق ایران باید به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان اشاره کرد. در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان^۱ مصوب ۱۳۸۱ در این خصوص بیان می‌دارد: کلیه افراد و موسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از تکلیف موجب

۱. ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.»

ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نوجوانان نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌گردد.»

حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود. این ماده قدمی موثر در الزام اعلام جرایمی هست که علیه کودکان و نوجوانان ارتکاب می‌یابد.

الف: رکن مادی

همانطور که برخی از حقوقدانان آمریکا بیان کرده‌اند جرم فوق با صرف عدم اعلام تحقق پیدا نمی‌کند بلکه مرتکب باید گام‌هایی برای مخفی کردن جرم بردارد. علیهذا به نظر می‌رسد در حقوق آمریکا رفتار فیزیکی این جرم، فعل می‌باشد و مرتکب باید اقداماتی جهت مخفی کردن جرم انجام دهد و با صرف عدم اعلام، تحقق پیدا نمی‌کند. آنچه که از ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه بر می‌آید این است که جرم عدم اعلام جنایت بر خلاف قانون فدرال ایالت متحده با صرف عدم اعلام جنایت تحقق می‌یابد و نیازی به انجام اقداماتی جهت مخفی کردن جرم وجود ندارد. بنابراین رفتار فیزیکی جرم عدم اعلام جنایت در فرانسه، ترک فعل می‌باشد. سوالی که در خصوص جرم عدم اعلام جنایت وجود دارد این است که جرم مزبور چه زمانی به صورت تام تحقق پیدا می‌کند؟ در پاسخ باید گفت که بر اساس ماده ۴ قانون فدرال ایالت متحده پس از این که شخص از وقوع جرم مطلع گردید و در اولین فرصت و به محض امکان آن را اعلام ننمود فرد مرتکب این جرم شده است. سوال دیگری که در خصوص جرم فوق وجود دارد این است که بعد از اطلاع فرد از وقوع جنایت، وی آن را باید به چه مقاماتی اعلام نماید؟ در پاسخ باید گفت که بر اساس ماده ۴ قانون فدرال ایالت متحده شخص باید وقوع جرم را به قضات و مقامات نظامی و غیرنظامی صالح اعلام نماید. بر اساس ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه فرد باید مراتب را به مقامات قضایی و اداری صالح اعلام نماید.

رکن مادی دارای سه بخش رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه است آنگاه رفتار فیزیکی این جرم تنها ترک فعل است بدین معنا که این جرم تنها با ترک وظیفه‌ای که قانونگذار بر افراد تحمیل کرده است محقق می‌شود و به هیچ صورت با فعل قابل تحقق نیست. لازم به ذکر است در برخی موارد که فرد با انجام فعلی مانع کشف جرم می‌گردد، به صورت جداگانه‌ای جرم‌انگاری شده است و از تحت شمول این ماده خارج است. به همین جهت قانون آلبانی ماده ۳۰۰ خود را با عبارت "قصور در... " شروع نموده است. قانون جزای فرانسه عبارت مطلع نسازد را به کار برده است (یکرننگی، پیشین، ۶۳).

برای تحقق این جرم علاوه بر ترک فعل یک سری شرایط نیز نیاز می‌باشد. با مطالعه تطبیقی دانسته می‌شود در قوانین بسیاری از کشورها این جرم منحصر به عدم گزارش جرایم مهم شده است. برای مثال فرانسه که تقسیم‌بندی جرایم را به جنحه، جنایت و خلاف را در قانون خود پذیرفته است این جرم

را تنها به جنایت منحصر نموده است. لیکن برخی کشورها نیز نیز به طور مطلق این جرم را نسبت به تمامی جرایم پذیرفته‌اند از جمله این کشورها آلبانی است که در ماده ۳۰۰ خود لفظ قصور در گزارش را به صورت مطلق به کار برده است. شرط دیگر تحقق این جرم آن است که فرد این جرم را به نهادهای ذی صلاح اعلام ننماید. بدین معنا که در مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری این جرم یک سری نهادها برای گزارش جرم پیش‌بینی شده‌اند برای مثال در فرانسه مقامات قضایی یا اداری و در آلبانی نهادهای تعقیب کیفری دادگاه، نهادهای متولی نظم عمومی، مقامات یا دستگاه‌های اجرایی ذی صلاح را ذکر نموده است. لذا در صورت گزارش جرم به غیر از مقامات مذکور در این مواد فرد از مسئولیت کیفری مبرا نخواهد شد. شرط سوم که در برخی کشورهایی چون فرانسه برای این جرم پیش‌بینی شده است این است که اگرچه جرم باید از درجه جنایی باشد لیکن عدم گزارش تنها در صورتی جرم است که امکان پیشگیری یا محدود کردن آثار جرم یا پیشگیری از جرایم دیگر که ممکن است مجرم مجدداً مرتکب شود وجود داشته باشد. در نتیجه طبق قانون این کشور حتی اگر جرم از درجه جنایی باشد لیکن گزارش یا عدم گزارش جرم تاثیری در پیشگیری یا محدود کردن آثار جرم نداشته باشد و شخص علیرغم وقوع جرم جنایی آن را گزارش نکند از نظر این ماده مسئولیت کیفری نخواهد داشت. آلبانی این جرم را به صورت مطلق پیش‌بینی کرده است. در قسمت نتیجه باید عنوان داشت این جرم نیازمند هیچ نتیجه‌ای نمی‌باشد (همان، ۷۶).

ب: رکن روانی

از حیث عنصر روانی جرم عدم اعلام جنایت باید گفت که مرتکب باید سوء نیت عام و علم داشته باشد. در حقوق آمریکا مرتکب باید عمد در عدم اعلام و اقدام به مخفی کردن جنایت داشته باشد و در حقوق فرانسه مرتکب باید عمداً جنایت را اعلام نکند. در حقوق آمریکا باید از وقوع کامل جنایت مطلع باشد و در حقوق فرانسه باید مرتکب از این امر که اعلام جرم موثر در پیشگیری یا کاهش آثار جرم یا جلوگیری از وقوع جنایت جدید است مطلع باشد. مرتکب بزه عدم اعلام جرم می‌بایست اراده و آگاهی معتبر جزایی برای این ترک فعل داشته باشد. این جرم نیازمند سوء نیت خاص نیست و تنها سوء نیت عام کافی است.

ج: موارد معافیت از مجازات

کشورهایی که این جرم را در قوانین خود پیش‌بینی کرده‌اند همواره برخی از افراد که دارای قرابت نسبی یا سببی یا مجرم اصلی یا معاون می‌باشند را از حکم ماده مستثنی نموده‌اند. برای مثال طبق

ماده ۱-۳۴۳ قانون جزای فرانسه به استثنای مواردی که جنایات علیه اطفال زیر ۱۵ سال ارتکاب می‌یابد افراد ذیل از مقررات فوق مستثنی می‌باشند:

۱- والدین در خط مستقیم و زن و شوهر و خواهر و برادر مرتکب یا معاون جنایت و همسران آنها
۲- همسر مرتکب یا معاون جنایات یا شخصی که آشکارا در موقعیت زناشویی با وی زندگی می‌کند. همچنین کسانی که براساس شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۱۳-۲۲۶ موظف به راز داری می‌باشند نیز از شمول مقررات پاراگراف اول مستثنی می‌باشند. نهایت ماده ۳۰۰ قانون جزای آلبانی به صراحت اعلام داشته است: فرزندان، خواهران، برادران، همسران، پدر و مادرخوانده و فرزندخوانده مانند فردی که به علت وظیفه ملزم به راز داری می‌باشند از الزام به اعلام جرم مستثنی می‌باشند (همان، ۷۷). دلیل این امر مشخص است. علقه‌های اصلی خانوادگی در افراد را نمی‌توان توسط الزامات قانون از هم پاشید. لذا هر چند نظم عمومی جامعه حایز اهمیت است لیکن از هم پاشیدن خانواده به عنوان عنصر اساسی جامعه خطراتی به مراتب بیش از مزایای اعلام جرم به دستگاه اجرایی و قضایی دارد. از سوی دیگر این استثنا به افرادی که به مناسب شغل خود امین هستند نیز سرایت داده شده است؛ زیرا در صورت عدم مستثنی کردن این افراد، هیچ یک از شهروندان به این افراد مراجعه نخواهند کرد و عدم مستثنی نمودن این افراد، هیچ یک از شهروندان به این افراد مراجعه نخواهند کرد و معایب آن به مراتب بیشتر از مزایای آن خواهد بود.

۲-۲: اعلام کذب وقوع جرم

بسیاری از دول برای جلوگیری از بکارگیری نیروی بیهوده پلیس و قضایی جرمی را تحت عنوان اعلام کذب وقوع جرم در زرادخانه کیفری خود جای دادند. علت این جرم‌انگاری آن است که پلیس با بودجه کم نمی‌تواند به طور کامل همه جرایم را کشف کند؛ لذا از شهروندان خواسته است که در این زمینه به پلیس یاری رسانند. حال اگر شهروندی جرمی را به کذب اعلام نماید نه تنها به پلیس یاری نرسانده بلکه بودجه آن نیز صرف امری بیهوده نموده است. در ماده ۲-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در این زمینه مقرر داشته است: اعلام کذب مربوط به جنایت یا جنحه به مقام قضایی یا اجرایی که منجر به آن گردد که مقامات قضایی تحقیقات بی‌فایده‌ای را انجام دهند مستوجب شش ماه حبس و هفت هزار و پانصد یورو جزای نقدی است. همچنین ماده ۳۰۲ قانون جزای آلبانی بیان داشته است: گزارش جرمی که ارتکاب نیافته است یا معرفی دروغین کسی که می‌داند مرتکب جرم نشده است همچنین ایجاد دلایل کذب به قصد شروع تعقیب جزایی مستوجب جزای نقدی و تا پنج سال حبس می‌باشد. اگر

بخواهیم به سابقه تقنینی بزه اعلام کذب وقوع جرم در ایران اشاره کنیم باید اذعان کرد که هیچ سابقه تقنینی در این خصوص وجود ندارد. لذا سیاست جنایی ایران در این زمینه فاقد مقرر قانونی است اما مواردی که فردی ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت می‌دهد در حقوق ایران تحت عنوان افترا قابل تعقیب است (همان، ۸۷). در قانون جزای ایران در مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ آمده است که: "هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که مستوجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها محکوم خواهد شد...».

قانون جزای آلمان در ماده ۱۴۵ د - آمده است که:

۱) هر کس از روی عمد و آگاهانه یک مقام دولتی یا مرجع ذی‌صلاحی را که اختیار دریافت اطلاعات در زمینه مسائل کیفری را حائز است گمراه کند:

الف) که عمل غیر قانونی ارتکاب یافته است یا

ب) ارتکاب یکی از اعمال غیر قانونی مندرج در بند (۱) ماده ۱۲۶ قریب الوقوع است، به مجازات حبسی که بیشتر از سه سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد، مگر اینکه جرم وی بر طبق مواد ۱۶۴، ۲۵۸ یا ماده ۲۵۸ الف قابل مجازات باشد.

۲- هر کس از روی عمد یا آگاهانه اقدام به گمراه نمودن یکی از مقامات مندرج در بند یک فوق الذکر در موارد شرکای جرم در یکی از موارد ذیل نماید:

الف) در ارتکاب یک عمل غیر قانونی یا

ب) در ارتکاب عمل غیر قانونی قریب الوقوع بر طبق مفاد مندرج در بند یک ماده ۱۲۶ به مجازات مشابهی محکوم خواهد شد.

الف: رکن مادی

رفتار فیزیکی این جرم فعل است. زیرا که فرد باید اعلام کذبی بنماید. لذا اعلام کذب وقوع جرم یا معرفی دیگری به عنوان مجرم به طور کذب رکن مادی این جرم می‌باشد. از شرایط دیگر برای تحقق این جرم این است که موضوع اعلامی جرم باشد. در قانون جزای آلبانی این جرم مطلق پیش‌بینی شده است اما در قانون جزای فرانسه این جرم مقید است. یعنی علاوه بر اعلام کذب جرم باید اعلام کذب منجر به آن گردد که مقامات قضایی تحقیقات بی‌فایده انجام دهند.

ب: رکن روانی

رکن روانی این جرم در قسمت علم و آگاهی آن است که فرد باید علم به عدم وقوع جرم و یا عدم ارتکاب جرم توسط شخص خاص داشته باشد. بنابراین اگر شخص به اشتباه یا به گمان آنکه فرد به واقع مرتکب جرم شده وی را مجرم اعلام نماید از شمول این ماده خارج می‌باشد. در قانون جزای آلبانی این جرم مطلق و با سونیت خاص قانونگذاری شده است. در قانون جزای فرانسه این جرم مقید و به سونیت خاص آن تصریح شده است.

۳-۲: تهدید بزه‌دیدگان، شهود، مقامات قضایی

در ابتدا به قانون جزای فرانسه اشاره خواهیم کرد. ماده ۴۳۴-۵ قانون جزای فرانسه بیان داشته است: هرگونه تهدید یا هر عمل ارباب‌انگیز دیگری دیگری علیه هر شخصی به منظور مجبور ساختن بزه‌دیده یک جنایت یا جنحه مبنی بر عدم طرح شکایت یا استرداد شکایت مستوجب سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است (اسدی، پیشین، ۴۰).

در قانون جزای آلمان در ماده ۱۰۵ آمده است: "هر کس با توسل به زور و یا تهدید به کاربرد

زور، به طور غیر قانونی

الف) یکی از نهادهای قانونگذار دولت فدرال یا یکی از کمیته‌های وابسته به آن‌ها را

ب) یا مجلس فدرال یا یکی از کمیته‌های وابسته به آن را

ج) هیات دولت یا دادگاه قانون اساسی دولت فدرال یا یکی از روسای آن را مجبور به عدم اجرای وظایف خود یا اجرای وظایف به شیوه خاصی نماید به مجازات حبس از سه ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد."

قانون جزای آلبانی ماده ۳۱۱ در این رابطه اشاره کرده است: تهدید علیه بزه‌دیده یک عمل کیفری، جهت عدم گزارش یا شکایت یا تهدید به صرف نظر کردن از شکایت یا گزارش جرم کیفری محسوب شده و مستوجب جزای نقدی تا دو سال حبس خواهد بود. تهدید در قوانین کیفری ایران دارای آثار متفاوتی می‌باشد. گاه تهدید شرط تحقق جرم است (ماده ۶۹۴ ق.م.ا). گاه یک کیفیت مشدده محسوب می‌گردد (ماده ۶۵۱ ق.م.ا). و گاه برای سلب مسئولیت از شخص مرتکب رفتار مادی می‌شود و گاه تهدید به طور مستقل جرم‌انگاری شده است. در ماده ۶۶۸ تهدید دیگری به الزام دادن سند بیان شده است. در این ماده آمده است: هر کس با جبر و قهر و یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته و یا سند یا امضا و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در ماده ۶۶۹

تهدید به قتل یا ضررهای شرافتی مالی و ... به صورت مطلق پیش‌بینی شده است. لذا قانونگذار در قانون مجازات اسلامی تفاوتی میان تهدید مقامات قضایی یا دست‌اندرکاران عدالت قضایی و شهود و مطلعین و کارشناسان و دیگر افراد قائل نشده است و تهدید این اشخاص در حال حاضر ذیل عنوان کلی تهدید می‌باشد. چنان که بیان شد قوانین ایران اغلب بدون توجه به شخصیت تهدید شده، تهدید را جرم‌انگاری نموده است یا درصد پیشگیری از اجرای تهدید برآمده‌اند. لیکن در برخی موارد قانونگذار ایران به شخصیت طرف تهدید توجه نموده است. ماده ۵۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در این خصوص بیان می‌دارد: هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، مافوق خود یا مراقب یا نگهبانی را در در ارتباط با انجام وظیفه آنان تهدید نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود. لذا چنان که مشخص است این تهدید با عنایت به شخصیت طرف جرم‌انگاری شده است و از تهدید عام خارج است. مورد دیگری که قانونگذار ایران به شخصیت طرف تهدید توجه نموده است نشان دادن اسلحه به قصد تهدید در هنگام ترمرد است (یک‌رنگی، پیشین، ۹۰). طبق ماده ۶۰۷ ق.م.ا: هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

- ۱- هرگاه متمرد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.
- ۲ - هرگاه متمرد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال.
- ۳- در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

لذا با عنایت به تمامی مطالب بیان شده می‌توان اظهار داشت در حال حاضر ماده‌ای مستقل برای حمایت کیفری از بزه‌دیده، شهود، مقامات و دست‌اندرکاران عدالت قضایی به طور مجزا در قوانین ایران وجود ندارد.

الف: رکن مادی

رفتار فیزیکی این جرم تهدید علیه بزه‌دیده به عدم گزارش یا شکایت یا استرداد شکایت می‌باشد. این جرم از طریق فعل محقق می‌شود. و شرط دیگر این است این جرم علیه بزه‌دیده مستقیم یا غیر مستقیم صورت گیرد. این جرم از جمله جرایم مطلق بوده است و نیازی به حصول نتیجه ندارد.

ب: رکن روانی

سوءنیت عام در این جرم اراده آزاد فرد در تهدید دیگری می‌باشد، در خصوص نیاز به سوءنیت خاص نیز باید گفت غالباً این جرم نیاز به سوءنیت خاص ندارد. ولی در ماده ۵-۴۳۵ و ماده ۳۱۱ قانون

جزای آلبانی به صراحت به سونیت خاص اشاره کرده‌اند. علاوه بر سوءنیت عام به سوءنیت خاص در قالب قصد اجبار بزه‌دیده به عدم گزارش یا شکایت یا استرداد آن اشاره شده است (همان، ۹۷).

۲-۴: شهادت کذب

عدالت قضایی اقتضا می‌کند ادله‌ای که در جریان رسیدگی به یک جرم یا دعوا استفاده میشود صحیح باشند و ادله مزور استفاده نشود. یکی از ادله اثبات، شهادت شهود می‌باشد. ممکن است شاهد بر خلاف حقیقت شهادت بدهد و از این طریق روند عدالت را با اختلال مواجه نماید. ماده ۱۶۲۱ قانون فدرال ایالت متحده به جرم شهادت کذب اختصاص پیدا کرده است. که در ادامه به بررسی عناصر این جرم می‌پردازیم. در سیستم‌های حقوقی مختلف شهادت به عنوان یکی از دلایل اثباتی عمده، در دعاوی حقوقی و کیفری استفاده می‌شود. اگر فردی که شهادت متوجه اوست تعمداً شهادت کذبی مطرح کند به نحوی زمینه برای خروج عدالت قضایی از مسیر خود فراهم کرده است و این شهادت کذب در کشورهای مختلف جرم‌انگاری شده است. برای مثال در قانون ۱۲-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در این زمینه بیان می‌دارد: شهادت دروغ با اتیان سوگند نزد دادگاه یا مامور پلیس قضایی که مامور اجرای یک نیابت قضایی است مستوجب پنج سال حبس و هفتاد و پنج هزار یورو جزای نقدی است. با این حال شاهد زور در صورتی که با اراده خود شهادتش را پیش از تصمیمی که پایان دهنده آیین دادرسی‌ای است که به وسیله مقام تحقیق کننده قضایی یا دادگاه رعایت می‌شود باز پس گیرد از مجازات معاف می‌شود. همچنین ماده ۱۷-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در خصوص شهادت کذب در امور حقوقی مقرر داشته است: شهادت کذب در موضوعات حقوقی مستوجب سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است.

در قانون جزای آلمان در ماده ۱۵۳ آمده است: "هر کس در برابر دادگاه یا مرجع ذی صلاح در زمینه بازجویی شاهدان و کارشناسان قسم خورده، به عنوان شاهد یا کارشناس در نقص سوگند خود به راستگویی، شهادت کذبی دهد به مجازات حبس از سه ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. در ماده ۱۵۶ قانون جزای آلمان به جرم اقرارنامه کذب با قید سوگند اشاره کرده است.

همچنین در قانون جزای آلبانی در ماده ۳۱۲ در خصوص شهادت کذب آمده است: کسی که در مقابل قاضی یا فرد یا نهادی که صلاحیت استماع شهود را دارد شهادت کذب ارایه بدهد به حبس تا سه سال محکوم خواهد شد. در قوانین جزایی ایران ماده ۶۵۰ ق.م.ا.ب بیان می‌دارد: هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد

هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است (اسدی، پیشین، ۴۵).

الف: رکن مادی

رفتار فیزیکی جرم شهادت دروغ ممکن است با فعل و ترک فعل تحقق پیدا کند به این معنا زمانی که شاهد تمام حقیقت را بیان نمی کند با ترک فعل جرم مزبور تحقق پیدا کرده و زمانی که اظهارات دروغ بیان می کند با فعل مرتکب جرم شهادت دروغ شده است. در حقوق ایالت متحده آمریکا لازم است شهادت دروغ مهم و اساسی باشد به این معنا که شهادتی که به وسیله متهم داده می شود در دادگاه و موضوعات نزد آن موثر واقع شود. از لحاظ تاریخی دادگاهها در بسیاری از ایالت آمریکا در خصوص این موضوع که آیا شهادت دروغ اساسی است یا نه حکم می دادند که این موضوعی است باید توسط قاضی دادگاه تصمیم گرفته شود. در دهه ۱۹۹۰ محاکم رویه خود را تغییر دادند و اعلام کردند که اساسی بودن یا نبودن شهادت دروغ موضوعی مربوط به جرم است و هیات منصفه باید در این خصوص تصمیم بگیرد. برای اینکه شهادت دروغ جرم علیه عدالت قضایی باشد باید در دعوی حقوقی یا کیفری صورت گرفته باشد و به همین دلیل در حقوق فرانسه شرط است که شهادت نزد دادگاه یا پلیس قضایی صورت بگیرد یا در دعوی حقوقی فرد شهادت دروغ بدهد. با توجه به اطلاق ماده ۱۶۲۱ قانون فدرال ایالت متحده، به نظر می رسد در حقوق آمریکا تفاوتی بین پرونده های حقوقی و کیفری از این حیث وجود ندارد و شهادت دروغ در هر دو مشمول مجازات مندرج در ماده مزبور می شود. همچنین شهادت دروغ در ایالت متحده به نظر می رسد باید مسبوق به سوگند خوردن نزد دادگاه صالح یا افسر یا شخصی باشد که قوانین ایالت متحده اجرا سوگند را اجازه بدهد. شهادت ممکن است شفاهی باشد یا کتبی باشد. یکی از موضوعاتی که در حقوق آمریکا در خصوص آن بحث شده این است که در صورتی که شاهد اظهارات متعارضی داشته باشد در چه صورتی می توان وی را به جرم شهادت دروغ محکوم نمود. در گذشته محاکم بیان می داشتند که در این فرض باید دادستان مشخص کند که کدام یک از اظهارات متعارض دروغ است. اما قوانین جدیدی که در این خصوص تصویب شده است مقرر داشته اند که نیازی نیست دادستان اثبات کند که کدام یک دروغ می باشد.

رکن مادی این جرم در قسمت رفتار فیزیکی فعل و ترک فعل است. آنجا که فرد اظهارات دروغی را بیان می دارد جرم با فعل و در آنجا که حقیقت را به طور کامل بیان نمی دارد جرم با ترک فعل تحقق می یابد. برای آنکه شهادت در یک دعوی حقوقی و یا کیفری ادا شود. بنابراین شهادت هایی که در

خارج از دعاوی می‌باشند مانند شهادت کذب بر تاریخ تولد در مرجع ثبت احوال، اگرچه ممکن است خاطی را با کیفر مواجه نماید اما از زمره جرایم علیه عدالت قضایی خارج است. به همین دلیل است که ماده ۱۳-۴۳۴ قانون جزای فرانسه به شهادت نزد دادگاه یا مامور پلیس قضایی و در قانون جزای آلبانی و قانون ایران به شهادت در امور حقوقی و کیفری اشاره کرده‌اند. این جرم در قوانین این سه جرم جرمی مطلق است چرا که صرف شهادت دادن کافی است و اینکه پذیرفته بشود یا خیر یا موثر واقع شود یا خیر نیازی نیست.

ب: رکن روانی

جرم شهادت دروغ عبارت است از عمد در شهادت دادن می‌باشد و فرد باید علم به دروغ بودن آنچه بیان می‌دارد داشته باشد. در برخی از ایالت آمریکا سوءنیت خاص قصد فریب لازم است و این امر برای جلوگیری از احتمال محکومیت به شهادت دروغ از روی بی‌دقتی است. معافیت از مجازات ماده ۱۶۲۳ قانون فدرال ایالت متحده به این امر اشاره کرده است که چنانچه شخصی که شهادت دروغ داده است اعتراف کند که اظهاراتش دروغ بوده است از مجازات معاف می‌شود. شروطی که برای این دفاع وجود دارد این است که اول اقرار به دروغ بودن شهادت در همان جلسهای که شهادت دروغ اظهار شده است اتفاق بیافتد ثانيا شهادت دروغ به صورت اساسی رسیدگی را تحت تأثیر قرار ندهد و ثالثا دروغ بودن شهادت قبل از اقرار بر ملا نشود. این معافیت در ماده ۱۳-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه نیز پیش‌بینی شده است (همان، ۱۵۰).

۵-۲: فرار از زندان

مواد ۷۵۱ تا ۷۵۵ قانون فدرال ایالت متحده به جرم فرار از زندان اختصاص پیدا کرده که در ادامه به بررسی این مواد خواهیم پرداخت.

در مورد جرم فرار بر اساس مواد ۷۵۱ تا ۷۵۵ قانون فدرال آمریکا به مسئولیت سه دسته از افراد پرداخته است اول فرار متهم یا محکوم توسط دیگری دوم کمک به فرار خود شخص متهم یا محکوم و نهایتا ماموری که عمدا یا از روی بی‌مبالاتی موجبات فرار شخص را فراهم می‌کند. ماده ۷۵۱ قانون فدرال آمریکا به جرم فرار خود محکوم یا متهم اختصاص دارد. رفتار فیزیکی مندرج در این ماده فرار کردن یا شروع به فرار می‌باشد. در قانون فدرال آمریکا اصول مجازات شروع به هر جرم با مجازات جرم تام آن برابر می‌باشد بر همین اساس مجازات در ماده ۷۵۱ نیز مجازات شروع به فرار و فرار یکسان می‌باشد. فرار باید از زندان یا بازداشتگاه باشد و یا از دست ماموری که مسئول مراقبت از او می‌باشد

بنابراین اگر فرد حین اعزام به دادگاه از دست مامور فرار کند باز جرم فرار تحقق پیدا کرده است. در این ماده بر حسب این که فرد فرار کننده محکوم باشد یا متهم، مجازات وی متفاوت است. بر همین اساس در موردی که فرد فراری محکوم است فرق نمی کند که محکوم به جنایت باشد یا جنحه در هر حال مجازات وی جزای نقدی یا حبس تا پنج سال و یا هر دو خواهد بود. در موردی که فرد هنوز متهم است و محکومیت حاصل ننموده است اگر متهم به جنایت باشد به همان مجازات مذکور در بالا محکوم می شود و اگر متهم به جنحه باشد به جزای نقدی و تحمل حبس تا یک سال یا هر دو محکوم می شود. همان طور که ملاحظه می گردد قانونگذار فدرال در اینجا بر حسب اینکه فرد متهم باشد یا محکوم برخورد متفاوتی را اتخاذ کرده و در حالت دوم برخورد شدیدتری دارد، این امر به این دلیل است که شخصی که محکوم شده است ارتکاب جرم توسط او محرز شده و قانونگذار فدرال برخورد سختگیرانه تری دارد و فرار کردن هر محکومی صرف نظر از این که مرتکب چه جرمی شده است جرم تلقی شده و دارای مجازات به شرح پیش گفته می باشد در حالی که در وضعیتی که شخص هنوز محکوم نشده و صرفاً متهم است چون احتمال دارد براءت حاصل نماید قانونگذار برخورد خفیف تری داشته است. شخصی که پس از مرخصی به زندان بر نمی گردد در حقوق آمریکا تحت قوانین مربوط به فرار مجازات می شود. یکی دیگر از شروطی که وجود دارد این است که حبس و بازداشت شخص قانونی باشد به این معنا که فرد با مجوز قانونی محبوس یا دستگیر شده باشد بنابراین اگر حبس شخص قانونی نباشد و او از زندان یا از دست مامور دستگیر کننده فرار کند این جرم تحقق پیدا نخواهد کرد. البته منظور از غیر قانونی بودن بازداشت، مکان آن است یعنی از مکان های مجاز برای بازداشت نباشد و الا چنانچه شخص بر اساس قانون بازداشت شود و از زندان فرار کند و بعداً از جرم اصلی براءت حاصل کند این امر مانع محکومیت وی به جرم فرار نخواهد بود.

عنصر روانی جرم فرار ایالت متحده سوء نیت عام شامل عمد در فرار می باشد بنابراین اگر فرد بخواهد و مامور بدرقه سهوا فرد را در دادسرا جا بگذارد این جرم تحقق پیدا نمی کند. محاکم اکثر ایالت آمریکا سوء نیت خاص ترک زندان قانونی یا غیبت از زندان را شرط می دانند. در فراری دادن زندانی بر اساس ماده ۷۵۵ قانون فدرال آمریکا حالت غیر عمدی جرم نیز پیش بینی شده است و مجازات آن نسبت به حالت عمدی، کمتر می باشد بنابراین اگر مامور مراقب زندای در اثر بی مبالگی باعث فرار زندانی گردد به مجازات مندرج در ماده مزبور محکوم می شود.

در ماده ۲۷-۴۳۴ و ماده ۳۰-۴۳۴ قانون جزای فرانسه و ماده ۳۲۳ قانون جزای آلبانی به جرم فرار از زندان اشاره نموده است. در ماده ۳۲۳ قانون جزای آلبانی آمده است: فرار شخصی که تحت

بازداشت می‌باشد یا در بازداشتگاه است یا فرار شخصی که محکوم به حبس است از حبس اجباری یا در ضمن انتقال از محلی به محل دیگر مستوجب تا پنج سال حبس می‌باشد. از سوی دیگر ماده ۲۷-۴۳۴ قانون جزای فرانسه در این زمینه بیان می‌دارد: فرار قابل مجازات زمانی رخ می‌دهد که تحت اختیار او بوده فراری دهد. از جمله زمانی که چنین اعمالی به وسیله شخص ثالث که با فراری تبانی کرده است رخ دهد. فرار مستوجب تا سه سال حبس و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی می‌باشد. با عنایت به این مواد می‌توان مواردی را به عنوان ارکان اصلی جرم فرار بیان داشت. از لحاظ رفتار فیزیکی فرار تنها از طریق فعل قابل تحقق است بدین معنا که فرد باید اقدامی بکند. فرار با ترک فعل قابل تحقق نیست. از لحاظ شرایط تحقق جرم در مرحله اول فرد باید تحت بازداشت باشد. در ماده ۳۲۳ قانون جزای آلبانی به صراحت اشاره نموده که فرد تحت بازداشت باشد یا ضمن نقل و انتقال فرار نماید و ماده ۲۷-۴۳۴ قانون جزای فرانسه نیز اشاره به فرار از دست مأمور مراقب می‌نماید. همچنین اگر فردی در جایی حبس یا بازداشت باشد و فرار نماید نیز مشمول فرار کیفری می‌باشد. به همین جهت ماده ۳۲۳ قانون جزای آلبانی بیان می‌دارد فرد از بازداشتگاه‌ها فرار نماید یا فردی که به زندان محکوم شده است از محل بازداشت اجباری فرار نماید. این جرم از جرایم مقید می‌باشد بدین معنا که فرد بایستی موفق به فرار شود. در غیر این صورت جرم تام محقق نشده است و فرد تنها با وجود شرایط دیگر ممکن است به شروع به جرم محکوم شود. در مورد رکن روانی این جرم باید گفت: رکن روانی این جرم قصد فرار است. سو نیت عام که با اراده آزاد فرار کند برای تحقق جرم کافی نیست و نیازی به سو نیت خاص نیست (یکرنگی، پیشین، ۲۰۱).

در قوانین ایران ماده ۵۴۷ ق.م.ا.مده است: هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندان‌ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی نمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند (اسدی، پیشین، ۵۵).

نتیجه گیری

جهت ایجاد استقرار عدالت قضایی در جامعه جرم‌انگاری اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی می‌شوند لازم و ضروری است. گرچه عدالت معنایی نسبی دارد اما اجرای عدالت قضایی از دغدغه تمامی سیستم‌های عدالت کیفری در کشورهای مختلف است. اجرای عدالت در این حوزه، همانند سایر حوزه‌ها، از جمله ارزش‌های موجود در جوامع است که جهت حفظ آن تمهیداتی اندیشیده می‌شود و اعمالی به فراخور جرم‌انگاری می‌شود. قضایی یکی از شاخصه‌های مهم عدالت اجتماعی به شمار می‌رود. به موجب آن لازم است اقداماتی که باعث اخلال در روند اجرای عدالت می‌شوند جرم‌انگاری شوند. در قانون جزای فرانسه قانونگذار فصلی را به "جرایم علیه قضایی" اختصاص داده است. اما قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بدون اینکه فصلی را به این عنوان اختصاص دهد به طور پراکنده و به مناسبت‌های مختلف اعمالی که محل روند عدالت و احقاق حقوق اشخاص است را جرم‌انگاری کرده است. با توجه به اهمیت جرایم علیه عدالت قضایی و نقش موثر آن در تحقق عدالت لازم است قانونگذار در حقوق جزای اسلامی اقدامات لازم را جهت رفع نقص "جرایم علیه عدالت قضایی" به عمل آورد.

در قانون مجازات آمریکا جرایم علیه عدالت قضایی فصل جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده است. در حقوق ایران جرایم علیه عدالت قضایی در فصل مستقلی ذکر نشده‌اند و باید این جرایم را در قوانین متفرقه یافت. شایسته است مقنن ایرانی نیز همانند قانونگذار آمریکا و فرانسه جرایم علیه عدالت قضایی را در ذیل فصل مستقلی ذکر کند و خلا موجود را بر طرف نماید. به عنوان مثال در خصوص جرم فرار از زندان باید گفت شایسته است قانونگذار آن را اصلاح نماید تا شامل مواردی مثل فرار از دست مامورین در دادگاه یا فرار زندانی از بیمارستان نیز گردد. کیفیات مشدده جرم فرار به صورت جامع‌تر و کامل‌تر ذکر گردد تا شامل مواردی مثل تخریب دیوار زندان و نقب زدن برای فرار از زندان و همچنین استفاده از سلاح برای فرار نیز گردد. در ارتباط با جرم شهادت کذب با توجه به این که اقرار مرتکب به این که شهادت وی دروغ است به عنوان معافیت پیش‌بینی نشده است بهتر است این معافیت پیش‌بینی شود. با توجه به این که جرم ارتشا شامل امتیاز و خدمت نمی‌شود و صرفاً وجه یا مال را در بردارد شایسته است به نحوی اصلاح شود که شامل موارد مذکور نیز شود، همچنین پیشنهاد میشود قانونگذار درخواست رشوه را نیز به عنوان عنصر مادی رشوه پیش‌بینی نماید.

در قانون کیفری کشور آلبانی فصلی به جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص یافته است. این جرایم با توجه به مراحل عدالت کیفری و افراد درگیر در عدالت کیفری تنظیم شده‌اند. در این مقاله با اشاره

به قانون فرانسه و آلبانی که فصلی مجزا برای جرایم علیه عدالت کیفری تدوین کرده بودند اختصاص فصلی به این دسته جرایم برای قانون کیفری ایران که این دسته از جرایم جز موانع استقرار عدالت هستند پیشنهاد می‌شود.

البته از سویی ممکن است به تدوین و تنظیم جرایم علیه عدالت قضایی ایراداتی گرفته شود. به عنوان مثال گفته شود این جرایم نوعی دخالت در حریم خصوصی یا حتی در بحث الزام به شهادت، نوعی اجبار قانونگذار به امر فاعلی است در حالی که وظیفه قانونگذار بیشتر در حوزه اموری است که نباید شهروندان آن را انجام دهند.

در پاسخ ایراداتی چون تورم کیفری، دخالت در حوزه حریم خصوصی و ... که به جرایم علیه عدالت قضایی وارد می‌شود می‌توان اذعان کرد که امروزه در کنار مفهوم آزادی، مفهوم امنیت هم همان قدر ارزشمند است.

به عبارتی باید گفت شهروندان دو مفهوم آزادی - امنیت را با یک دیگر خواستار هستند. که جرم‌انگاری جرایم علیه عدالت قضایی نوعی تامین کننده امنیت شهروندان و عدالتی است که خود به دنبال آن هستند.

منابع

الف: قوانین

۱- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲- قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲

۳- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۴- قانون جزای آلبانی ۱۹۹۴

۵- قانون جزای آلمان

۶- قانونی جزای آمریکا

ب: مقالات و کتب

۱- اسدی، لیلا. (۱۳۸۴). "بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن، فقه و حقوق خانواده" مجله تعالی حقوق، شماره ۳۷ و ۳۸.

۲- بولک، برنار. کیفرشناسی. ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی. (۱۳۸۴). چاپ چهارم. تهران، مجد.

۳- بوشهری، جعفر، (۱۳۷۹). حقوق جزا: اصول و مسائل، چاپ اول، ناشر شرکت سهامی انتشار.

۴- بیگی، جمال. (۱۳۹۴). "جرایم علیه عدالت کیفری در ایران" مجله دانش انتظامی، چاپ اول شماره سوم.

۵- تجار زادگان، فتح الله و مسعودیان، مصطفی. (۱۳۸۹). "بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران" فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال اول شماره سوم.

۶- تسخیری محمد علی. (۱۳۸۳). "عدالت و احسان در قرآن" مجله گلستان قرآن، شماره یازدهم.

۷- عابد، رسول، میر محمدصادقی، حسین. (۱۳۹۱). "جرایم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی" فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره اول.

۸- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۱). عدالت حقوقی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

۹- کوشا، جعفر. (۱۳۸۱). جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول.

۱۰- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۳). نظام کیفری کشورهای اسلامی، نشر علوم اسلامی، چاپ

دوم.

۱۱- یکرنگی، محمد. (۱۳۸۷). "جرایم علیه عدالت قضایی در تاریخ حقوق مشرق زمین"، فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، شماره ده و یازده.

۱۲- یکرنگی، محمد. (۱۳۹۱). "جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، معاونت حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، نشر خرسندی.

۱۳- Doyle C. ATTEMPT: AN OVERVIEW OF FEDERAL CRIMINAL LAW. Journal of Current Issues in Crime, Law & Law Enforcement. ۲۰۱۳ Aug ۱;۶(۳).

۱۴- John M. Scheb, John M. Scheb II, Criminal Law and Procedure, Wadsworth, Seventh Edition, ۲۰۱۱.

پ: پایان‌نامه

۱۵- عابد، رسول. (۱۳۸۸). "جرایم علیه عدالت کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۶- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). "جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

ج: مقالات کنفرانسی

جرایم علیه عدالت قضایی در پرتو اسناد بین‌المللی، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، تهران،

https://www.civilica.com/PaperICHCONF۰۱/ICHCONF۰۱_۰۲۱.html